



هفتمین کنفرانس آموزش شیمی ایران

۲۲ تا ۲۴ شهریور ۱۳۹۰ - زنجان

شیمی در مثنوی معنوی

«جنبه های متفاوت شیمی در مثنوی معنوی و استفاده از آن در بهبود کیفیت تدریس»

محمد تقی بهنام فر

دبیر شیمی شهرستان اسفراین، دانشجوی دکتری شیمی معدنی دانشگاه صنعتی اصفهان

behnam10@gmail.com

چکیده:

نامگذاری سال ۲۰۰۷ به نام سال جهانی مولانا و سال ۲۰۱۱ به نام سال جهانی شیمی، به دور از هر گونه قیاس، نشان از اهمیت این دو دارد. در این نوشتار سعی بر آن شده است تا به طور مختصر جنبه های متفاوت شیمی در مثنوی مولانا مورد بررسی قرار گیرد. این مقاله جنبه های شیمی در مثنوی را در سه بخش عمده مورد بحث قرار داده است. در بخش اول مباحث مربوط به کیمیا، بخش دوم قوانین شیمی موجود در مثنوی و بخش سوم مطالب مربوط به آب آورده شده است. در نگاه مولانا، خداوند، بزرگترین کیمیاگر است، چرا که خداوند با عناصر موجود در خاک و حلال آب بزرگترین و عجیب ترین سنتز عالم هستی را انجام داده است.

آب را و خاک را بر هم زدی ز آب و گل نقش تن آدم زدی

بروز مفاهیم علمی در اندیشه‌ی شاعران از گذشته های دور تا امروز به دو صورت کلی وجود داشته است. صورت اول شعرهایی است که سراینده ی آن با آگاهی خواسته است تا یک مفهوم علمی را بیان کند. «گلشن راز» اثر شیخ محمود شبستری و «منظومه» اثر حاج ملا هادی سبزواری هر دو در فلسفه و بیت هایی پراکنده از دیگر شاعران مثال هایی از این صورت اند. در این موارد شعر در خدمت مفاهیم علمی است و هدف سرایش اینچنین شعرهایی بیشتر یادگیری آسان مفاهیم علمی بوده است. صورت دوم شعرهایی است که شاعر در آن از مفاهیم علمی برای تعالی شعر خویش بهره برده است و به بیان دیگر مفهوم علمی در خدمت شعر است. چنین شعرهایی به فراوانی در میان آثار شاعران بزرگ کشورمان به چشم می خورد

یعنی غلام شاهم و سوگند می خورم^۱

جوza سحر نهاد حمایل برابرم

تابش خورشید و سعی باد و باران را چه شد^۲

لعلی از کان مروت بر نیامد سالهاست

سر به جذر اصم فرو نارند^۳

بالغانی که بلغه ی کارند

همچنین است رباعیات نجومی و فلسفی خیام. مثال ها در این باره فراوان است و به خاطر طولانی نشدن کلام از آوردن آن خودداری کرده و به موضوع اصلی که همانا شیمی در مثنوی است می پردازیم.

مفاهیم شیمی موجود در مثنوی که جزء دومین صورت گفته شده در بالا می باشد را در سه بخش می توان دسته بندی کرد.

۱- «کیمیا» از نگاه مولانا

همانگونه که می دانیم کیمیا از اکسیر گفتگو می کند که می تواند فلزات پایین مثل مس را به طلا تبدیل کند.^۴ مولانا در مثنوی حدود بیست بار از کیمیا سخن به میان آورده است. از نظر مولانا خداوند کیمیاگر واقعی است. او که می تواند خاک را زر کرده یا بوالبشر کند.

خاک دیگر را بکرده بوالبشر

ای مبدل کرده خاکی را به زر

کار ما سهو است و نسیان و خطا

کار تو تبدیل اعیان و عطا

من همه خلمم، مرا کن صبر و حلم^۵

سهو و نسیان را مبدل کن به علم